

گزارش خبری

از شکستن درختان تا کثیف شدن پیاده روها
ماجرای درختان توت در شهر



حیدرزاده- این روزها درختان توت که در برخی خیابان ها و کوچه های بجنورد کاشته شده اند به بار نشسته اند و رنگ سفید یا قرمز توت ها نگاه بعضی از عابران را به سوی خود جلب می کند. این درختان با وجود این که شاخه های پرپرگ شان سایه سار روزهای گرم تابستان است اما میوه های شان موجب کثیف شدن پیاده رو یا خیابان می شود و البته به دلیل چیده شدن میوه ها از سوی رهگذران در معرض شکسته شدن قرار می گیرند. صحنه جمع کردن توت در کنار پیاده رو خاطرات گذشته را زنده می کند، آن زمان که علاوه بر باغ ها، برخی خانه ها هم درخت توت داشتند. خانواده ها پارچه های بزرگی زیر درخت توت می گرفتند و یکی از افراد با بالا رفتن روی درخت و تکان دادن شاخه های آن، باران توت را روانه پارچه می کرد اما این صحنه را این روزها در گوشه و کنار شهر، همان جاهایی که درخت توت کاشته شده است، می بینیم.

یکی از شهروندان که در مجاورت منزلش یک درخت توت قرار دارد سرش را از در بیرون آورده است و با پسرپچه هایی که از شاخه های این درخت آویزان شده اند دعوا می کند، اما آن ها بدون این که به او توجهی کنند به چیدن توت و خوردن آن ادامه می دهند. او به منزل بازمی گردد و بلافاصله با دسته جارو به دنبال آن ها می دود. چند شاخه شکسته و توت های له شده روی زمین، صحنه ای است که بعد از فرار پسران باقی مانده است. در بلوار هم وضع همین گونه است، زن و شوهر جوانی شاخه های درخت توت را آن قدر پایین کشیده اند که بعضی از شاخه ها شکسته و روی درخت مانده و بعضی نیز روی زمین افتاده اند. این داستان درختان توت است و این روزها بعضی از شهروندان از این درختان بالا می روند و علاوه بر ایجاد مزاحمت برای همسایه ها، به آن ها نیز آسیب می زنند. حتی در یکی از محله ها، به همان روش قدیم، چادر کهنه ای را زیر درخت توت گرفته اند و با ضربه های بی امان، درخت را تکان می دهند تا آخرین توت های رسیده هم نصیب شان شود. گویی به جنگ با درخت توت آمده اند که چنین رفتاری با آن دارند.

الکل توسط برخی جوان ها سخت تر می شود و هرج و مرج جای نظم را می گیرد. اغلب آن ها حالت طبیعی ندارند، تلو تلو می خورند و به این سو و آن سو می دوند تا به اصطلاح سهمی در شادی عروس و داماد داشته باشند.

به موازات مهمانان خاص، خواننده جوان مراسم نیز با لهجه محلی صدایش را در میکروفون رها و فضا را مهیج تر می کند. مراسم بر خلاف عرف مختلط است. عقربه های ساعت که به نیمه شب نزدیک می شود مهمانان جوان که از خود بی خود شده اند در کمال ناباوری شروع به انجام حرکات عجیب و غریب و پرتاب صندلی به سمت یکدیگر می کنند و حتی برخی جوانان که به شدت تحت تاثیر نوشیدنی های الکلی قرار گرفته اند از داربست خودشان را آویزان و شروع به خواندن آوازهای بی معنا و مفهوم و حتی ناسزاگویی به خواننده مراسم می کنند.

صاحب مراسم که اوضاع را دگرگون و متشنج می بیند وارد گود می شود تا جلوی هرج و مرج را بگیرد اما تعدادی از شرکت کنندگان جوان با حالت های غیر طبیعی گوشی شنوا و چشمی بینا برای شنیدن و دیدن حقیقت ندارند و غرق در توهم خود فقط عریده می کشند. ناگهان اتفاقی که نباید می افتد و یکی از مهمانان که حالش بد است به یکی از زنان شرکت کننده حرفی می زند و همین ماجرا غوغایی به پا می کند.

مهمانان هر کدام به طرفداری از شرکت کننده در نزاع وارد درگیری می شوند و مراسم رنگ خون به خود می گیرد. عروس و داماد که برای تقسیم شادی شان پا در میدان گذاشته بودند از ترس و وحشت قبل از این که مورد هجوم مهمانانی قرار گیرند که به واسطه پذیرایی شوم صاحب جشن از خود بی خود شده اند، با چشمانی گریان از مهلکه می گریزند و مراسم شادی رنگ سیاه و اندوه به خود می گیرد.

یکی از مهمانان پا به سن گذاشته خطاب به سایر مهمانان راه دور و غریبه می گوید: «مدتی که این رسم غلط توی بعضی روستاها و جشن ها جا افتاده و به جای نقل و نبات و آیمپوه از مهمانان با مواد مخدر و نوشیدنی های الکلی پذیرایی می کنن و خودشون رو هم با کلاس می دونن.»

صاحب مراسم می خواست با دویینگ مهمانان یک شب رویایی را برای خود و داماد و عروس رقم بزند ولی خبر نداشت که این کار غیر شرعی اش باعث بی آبرویی می شود.

از مراسم خارج می شوم اما همچنان صدای طبل رسوایی پذیرایی خاص از مهمانان و ساز ناکوک گوش خراش درگیری به گوش می رسد.

رقص کتک کاری در یک عروسی

یوسف صدیقی

«دست ها بالا و مشت ها باز، شلوغ نکنین به همه شیرینی می رسه، به به چه شیرینی، این رو خودم از مزرعه برای مهمون ها چیدم و نفت دادم، بزنین به بدن و عروسی رو بفرستین هوا!» شاید در وهله اول این جملات برای هیچ شخصی تعجب آور نباشد چون در عروسی ها طبق رسم شیرینی به مهمانان داده می شود اما این ها در ظاهر شیرین هستند ولی در باطن تلخ و ناگوارند. گذشت زمان خیلی از چیزها به ویژه برخی رسوم را عوض کرده و برخی قبح ها را از بین برده است. عده ای برای امروزی بودن به نوعی سنت های حسنه را با برخی رسوم باطل زیر پا می گذارند تا در چشم بقیه خود را متمدن و به اصطلاح باکلاس جلوه دهند.

در همین نزدیکی ها، زیر آسمان شهر در برخی عروسی ها شب ها سازهایی کوک می شوند که حال آداب و رسوم خوب را ناکوک می کنند. برخی ها بر طبل پذیرایی خاص می کوبند و در دنیای فضایی خود پایکوبی می کنند بدون این که به عاقبت آن بیندیشند. با کاهش شیوع ویروس نحس کرونا دوباره ساز جشن و مراسم عروسی در برخی روستاها کوک شده است و این روزها و شب ها زیر گنبد گود دختر و پسرهای جوان آرزوهای شان را به هم گره می زنند تا زندگی مشترک شان را زیر یک سقف آغاز کنند اما در این میان آن چه که تعجب هر مهمانی را برمی انگیزد پذیرایی خاص برخی ها از مهمانان است.

ترفندهای جذب تماشاچی

عصر بهاری یکی از روزهای پایانی هفته وارد یک جشن عروسی در یکی از روستاهای بجنورد می شوم که صاحبان مراسم سخت در تدارک مقدمات پذیرایی هستند.

حق با قدیمی هاست، «عروسی به چشم تماشاگر آسان است!» وقتی خودتان داخل گود باشید دیگر به این راحتی ها نیست. ده ها کار ریز و درشت است که باید به موقع و درست انجام شود تا بتوانید یک جشن ایده آل بگیرید و همه چیز همان طور که دوست دارید، پیش برود. بالاخره در زندگی هر کسی این شب، خیلی اهمیت دارد و همه می خواهند جشنی بگیرند که خاطره اش برای همیشه ماندگار شود.

از قضا ۲ مراسم عروسی در روستا در حال برگزاری است که همین قضیه صاحبان عروسی را بیشتر به تکاپو انداخته تا با ترفندهای مختلف برای جذب تماشاچی بیشتر گوی سبقت را از رقیب خود بریابند و در خیال خود اعتباری نزد مهمانان راه دور به دست آورند.



همه هم ای در حال شکل گیری است، شرکت کنندگان اغلب جوان و به نوعی با تیپ های امروزی در حال خودنمایی هستند و به گفته یکی از آن ها، مهمانان برای گرم شدن منتظر سوخت فضایی هستند تا مجلس را داغ کنند و آوازه اش را در روستا و اطراف آن بر سر زبان ها ببندازند!

سوخت فضایی

صحبت های شخص ناشناس درباره سوخت فضایی و آب جگرسوز (نوشیدنی الکلی) ذهنم را به خود مشغول می کند.

هر چقدر فضا به واسطه شب تاریک می شود، حضور مهمانان به خصوص جوانان بدون دعوت در مجلس پررنگ تر می شود.

قبل از کوک ساز، صاحب مجلس از لیدر نوشیدنی جگرسوز (نوشیدنی الکلی) می خواهد که توجه هایش را در اتاق مد نظر جمع کند تا سوخت گیری شروع شود و از عروسی دیگر در آن سوی روستا عقب نیفتند و مجلس خالی از تماشاچی نشود.

لیدر جوان بی پروا، یک به یک جوانان را به اتاق مدنظر راهنمایی می کند تا خودشان را با نوشیدنی غیرمجاز گرم کنند و در میدان عروسی بتازند و هلهله ای راه بیندازند. بعد از گذشت مدتی اغلب شرکت کنندگان راهنمایی می کنند تا خودشان را با نوشیدنی غیرمجاز گرم کنند و در میدان عروسی بتازند و هلهله ای راه بیندازند. بعد از گذشت مدتی اغلب شرکت کنندگان راهنمایی می کنند تا خودشان را با نوشیدنی غیرمجاز گرم کنند و در میدان عروسی بتازند و هلهله ای راه بیندازند. بعد از گذشت مدتی اغلب شرکت کنندگان راهنمایی می کنند تا خودشان را با نوشیدنی غیرمجاز گرم کنند و در میدان عروسی بتازند و هلهله ای راه بیندازند.

شیرینی مخصوص

این همه داستان نیست و به موازات آن یکی از نزدیکان

کسب رتبه ممتاز از اتاق اصناف

و اتحادیه رستوران داران بجنورد



رستوران، سفره خانه سنتی

تلفن سفارش : ۰۵۸ - ۳۲۲۵ ۸۹۵۱

بلوار معلم - نبش معلم ۱۵ / حدفاصل میدان آزادگان و میدان امام رضا (ع)

برگزاری مراسمات و ارسال سفارشات بیرون بر با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی